

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۴۹

آیه ۲۰

آیه و ترجمه

و ما ارسلنا قبلک من المرسلین الا انهم لیاکلون الطعام و یمشون فی الاسواق و جعلنا بعضکم لبعض فتنة ا تصبرون و کان ربک بصیرا (۲۰)

ترجمه :

۲۰ - ما هیچیک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذایی خوردند و در بازارها راه می رفتند، و بعضی از شما را، وسیله امتحان بعض دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبائی می کنید؟ (و از عهده امتحانات بر می آئید) و پروردگار تو بصیر و بینا بوده و هست.

شان نزول:

جمعی از مفسران در شان نزول نخستین آیه از آیات فوق چنین آورده اند که جمعی از سران مشرکان خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و گفتند: ای محمد تو از ما چه می خواهی؟ اگر ریاست می طلبی ما تو را سرپرست خود می کنیم، و اگر علاقه به مال داری از اموال خود برای تو جمع می کنیم، اما هنگامی که دیدند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر این پیشنهادهایشان تسلیم نشد به بهانه جوئی پرداختند و گفتند تو چگونه فرستاده خدا هستی با اینکه غذا می خوری و در بازارها توقف می کنی؟! آنها پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به خوردن غذا سرزنش کردند چرا که می خواستند او فرشته باشد، و به راه رفتن در بازارها ملامت کردند چرا که آنها کسرها و قیصرها و پادشاهان جبار را دیده بودند که هرگز گام در بازارها نمی گذاردند، در حالی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مردم در بازارها حشر و نشر داشت و با آنها مانوس بود، و امر و نهی الهی را به آنها ابلاغ می کرد، بهانه جویان ایراد کردند و گفتند: اومی خواهد

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۰

حکمران ما شود، در حالی که روش او مخالف سیره پادشاهان است! آیه فوق نازل شد و این حقیقت را روشن ساخت که روش پیامبر اسلام روش

همه پیامبران پیشین بوده است.

**تفسیر :**

**همه پیامبران چنین بودند**

در چند آیه قبل یکی از بهانه‌جوئیهای مشرکان را به این عنوان که چرا پیامبر اسلام غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود، آمده بود و جوابی اجمالی و سر بسته برای آن گفته شد، آیه مورد بحث به همان مطلب بازگشته و پاسخی صریح‌تر و مشروح‌تر به آن می‌دهد و می‌گوید:

ما هیچیک از رسولان را قبل از تو نفرستادیم مگر اینکه همه آنها از جنس بشر بودند، غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند (و با مردم حشر و نشر داشتند) (و ما ارسلناک قبلک من المرسلین الا انهم لیاکلون الطعام و یمشون فی الاسواق).

و در عین حال بعضی از شما را وسیله امتحان بعض دیگر قرار دادیم (وجعلنا بعضکم لبعض فتنة).

این آزمایش ممکن است از این طریق باشد که انتخاب پیامبران از جنس بشر آن هم از انسانهایی که از میان توده‌های جمعیت محروم برمی‌خیزند خود آزمایش بزرگی است، چرا که گروهی ابا دارند زیر بارهمنوع خود بروند بخصوص کسی که از نظر امکانات مادی در سطح پائینی قرار داشته باشد، و آنها از این نظر در سطح بالا و یا سن و سالشان بیشتر و در جامعه سرشناس‌تر باشند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۱

این احتمال نیز وجود دارد که منظور آزمودن عمومی مردم به وسیله یکدیگر است، چرا که افراد از کار افتاده و ناتوان و بیمار و یتیم و دردمند، آزمونی هستند برای اقویا و افراد سالم و تندرست، و به عکس افراد تندرست و قوی، آزمونی هستند برای افراد ضعیف و ناتوان، آیا گروه دوم راضی به رضای خدا هستند؟ و آیا گروه اول وظیفه و تعهد انسانی خود را در برابر گروه دوم انجام می‌دهند یا نه؟

و از آنجا که این دو تفسیر با هم منافاتی ندارند ممکن است هر دو در مفهوم وسیع آیه که امتحان مردم به وسیله یکدیگر است جمع باشد.

و به دنبال این سخن، همگان را مورد خطاب قرار داده و سؤال می‌کند: آیا صبر و شکیبائی پیشه می‌کنید؟ (اءتصبرون).

چرا که مهمترین رکن پیروزی در تمام این آزمایشها صبر و استقامت و پایداری

است، صبر و استقامت در برابر هوسهای سرکشی که مانع از قبول حق می شود، صبر و استقامت در برابر مشکلاتی که در آنجا وظائف و اداء رسالتها وجود دارد، و همچنین شکیبائی در برابر مصائب و حوادث دردناک که زندگی انسان به هر حال خالی از آن نخواهد بود.

خلاصه تنهها با نیروی پایداری و صبر است که می توان از عهده این امتحان بزرگ الهی برآمد.

و در پایان آیه به عنوان یک هشدار می فرماید: پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده و هست (و کان ربک بصیرا).

مبادا تصور کنند چیزی از رفتار شما در برابر آزمونهای الهی از دیده بینا و موشکاف علم خداوند مکتوم و پنهان می ماند، او همه را دقیقاً می داند و می بیند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۲

#### سؤال :

در اینجا پرسشی پیش می آید و آن اینکه: پاسخ قرآن در آیات فوق به مشرکان دائر بر اینکه همه پیامبران از جنس بشر بودند نه تنها مشکل راحل نمی کند، بلکه به اصطلاح از قبیل تکثیر اشکال است، چرا که ممکن است آنها ایراد خود را به همه پیامبران تعمیم دهند.

#### پاسخ :

آیات مختلف قرآن نشان می دهد که آنها این ایراد را به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشتند و معتقد بودند که او وضع خاصی به خود گرفته و لذا می گفتند. ما لهذا الرسول ... (چرا این پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این چنین است ...).

قرآن در پاسخ آنها می گوید: این منحصر به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست که غذا می خورد و در بازارها گام بر می دارد همه آنها چنین اوصافی را داشتند، و به فرض که آنها این اشکال را به همه پیامبران تعمیم دهند، قرآن پاسخ آنها را نیز گفته آنجا که می گوید: و لوجعلناه ملکا لجعلناه رجلا: به فرض که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را فرشته قرار می دادیم باز ناگزیر او را به صورت انسانی درمی آوردیم (تا بتواند سرمشق و الگو در تمام زمینهها برای انسانها باشد) اشاره به اینکه تنها انسان می تواند رهبر انسان باشد که از تمام نیازها و خواستهها و مشکلات و مسائل او آگاه است.

آیه ۲۱ - ۲۴

آیه و ترجمه

و قال الذین لا یرجون لقاءنا لو لا انزل علینا الملائکة او نرى ربنا لقد استکبروا فی انفسهم و عتو عتوا کبیرا (۲۱)

یوم یرون الملائکة لا بشری یومئذ للمجرمین ویقولون حجرا محجورا (۲۲)

و قدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورا (۲۳)

اصحاب الجنة یومئذ خیر مستقرا و احسن مقیلا (۲۴)

ترجمه :

۲۱ - و آنها که امیدی به لقای ما ندارند (و رستاخیز را انکار

می کنند) می گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نمی شوند؟ و یا پروردگاران را با چشم خود نمی بینیم؟ آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند.

۲۲ - (آنها به آرزوی خود می رسند) اما روزی که فرشتگان را می بینند روز بشارت مجرمان نخواهد بود! (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است) و می گویند

ما را امان دهید ما را معاف دارید

۲۳ - و ما به سراغ اعمالی که آنها انجام دادند می رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می کنیم!

۲۴ - بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحت گاهشان نیکوتر است!

تفسیر :

ادعاهای بزرگ

گفتیم مشرکان لجوج برای فرار از زیر بار تعهدات و مسئولیتهائی که ایمان به خدا و رستاخیز بر دوش آنها می گذارد، بهانه هائی را مطرح می کردند که یکی از آنها این بود چرا پیامبر مثل ما نیاز به غذا دارد، و در بازارها راه می رود که پاسخ آن را در آیات قبل خواندیم.

آیات مورد بحث دو قسمت دیگر از بهانه های آنها را مطرح کرده پاسخ می گوید، نخست می فرماید: آنها که امیدی به لقای ما ندارند و رستاخیز را انکار می کنند، می گویند چرا فرشتگان بر ما نازل نمی شوند، و

یا پروردگارمان را با چشم خود نمی بینیم (و قال الذین لا یرجون لقائنا لولا انزل علینا الملائکة او نری ربنا).

به فرض که ما بپذیریم پیامبر هم می تواند همچون ما زندگی عادی داشته باشد اما این قابل قبول نیست که پیک وحی تنها بر او نازل شود و ما او را نبینیم! چه مانعی دارد فرشته آشکار شود، و بر نبوت او صحه بگذارد، و یا قسمتی از وحی را در حضور ما بازگو کند؟!

و یا خدا را با چشم ببینیم که جای هیچ شک و شبهه ای برای ما باقی نماند؟ اینها است که برای ما سؤال انگیز است و اینها است که مانع از پذیرش دعوت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می شود!

مهم این است که قرآن این بهانه جویان را به عنوان لا یرجون لقائنا توصیف می کند که نشان می دهد سرچشمه این گفتارهای بی اساس، عدم ایمان به آخرت، و عدم قبول مسئولیت در برابر خدا است.

در آیه ۷ سوره حجر نیز شبیه این سخن را می خوانیم که آنها می گفتند: لوما تاتینا بالملائکة ان کنت من الصادقین: اگر راست می گوئی چرا فرشتگان

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۵

را برای ما نمی آوری تا تو را تصدیق کنند؟! در آغاز همین سوره فرقان نیز خواندیم که مشرکان می گفتند: لو لا انزل الیه ملک فیکون معہ نذیرا:

چرا فرشته ای همراه او مامور انداز انسانها نشده است؟

در حالی که یک انسان حق طلب برای اثبات یک مطلب، تنها مطالبه دلیل می کند اما نوع دلیل هر چه باشد، مسلما تفاوت نمی کند، هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با نشان دادن معجزات و از جمله خود قرآن حقانیت دعوت خویش را به وضوح ثابت کرده، دیگر این بهانه ها چه معنی دارد؟

و بهترین دلیل برای اینکه این سخنان را به خاطر تحقیق پیرامون نبوت پیامبر نمی گفتند این است که تقاضای مشاهده پروردگار کردند و او را تاسر حد یک جسم قابل رؤیت تنزل دارند، همان تقاضای بی اساسی که مجرمان بنی اسرائیل نیز داشتند، و پاسخ قاطع آن را شنیدند که شرح آن در سوره اعراف آیه ۱۴۳ آمده است.

لذا قرآن در پاسخ این تقاضاها ذیل آیه مورد بحث می گوید: آنها در مورد خود تکبر ورزیدند و گرفتار غرور و کبر و خود بینی شدند (لقد استکبروا فی

انفسهم).

و طغیان کردند، چه طغیان بزرگی؟ (و عتوا عتوا کبیرا).  
عتو (بر وزن غلو) به معنی خودداری از اطاعت و سرپیچی از فرمان توأم با عناد و لجاج است.

تعبیر فی انفسهم ممکن است به این معنی باشد که آنها در مورد خود به کبر و خود بینی گرفتار شدند و نیز ممکن است به این معنی باشد که آنها کبر و غرورشان را در دل پنهان کردند و این بهانه‌ها را آشکار در عصر وزمان ما نیز کسانی هستند که منطق مشرکان پیشین را تکرار می‌کنند و می‌گویند تا خدا را در محیط آزمایشگاه خود نبینیم و تا روح را در زیر چاقوی

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶

جراحی مشاهده نکنیم باور نخواهیم کرد! و سرچشمه هر دو یکی است استکبار و سرکشی.

اصولا تمام کسانی که تنها ابزار شناخت را حس و تجربه می‌دانند به طور ضمنی همین سخن را تکرار می‌کنند، و همه ماتریالیستها و مادیون در این جمع داخلند، در حالی که حس ما تنها توانائی درک قسمت ناچیزی از ماده این جهان را دارد.

سپس به عنوان تهدید می‌گوید اینها که تقاضا دارند فرشتگان را به بیند سرانجام خواهند دید اما روزی که فرشتگان را می‌بینند روزی است که در آن روز بشارتی برای مجرمان نخواهد بود (چرا که روز مجازات و کیفرهای دردناک اعمال آنها است) (یوم یرون الملائكة لا بشری یومئذ للمجرمین).

آری در آن روز از دیدن فرشتگان خوشحال نخواهند شد بلکه چون نشانه‌های عذاب را همراه مشاهده آنان می‌بینند بقدری در وحشت فرومی‌روند که همان جمله‌ای را که در دنیا به هنگام احساس خطر در برابر دیگران می‌گفتند بر زبان جاری می‌کنند و می‌گویند ما را امان دهید، ما را معاف دارید (و یقولون حجرا محجورا).

ولی بدون شک نه این جمله و نه غیر آن اثری در سرنوشت محتوم آنها ندارد چرا که آتشی را که خود افروخته‌اند خواه و ناخواه دامانشان را می‌گیرد، و اعمال زشتی را که انجام داده‌اند در برابرشان مجسم می‌گردد و خود کرده را تدبیر نیست!

---

واژه حجر (بر وزن قشر) در اصل به منطقه‌ای گفته می‌شود که آن راسنگ چین (تحجیر) کرده و ممنوع الورد می‌ساختند، و اگر می‌بینیم حجر اسماعیل را حجر می‌گویند به خاطر دیواری است که اطراف آن کشیده شده و جدا گردیده است، عقل را نیز حجر می‌گویند، چون انسان را از کارهای خلاف منع می‌کند، لذا در آیه ۵ سوره فجر می‌خوانیم هل فی ذلک قسم لذی حجر (آیا در این سخن، سوگند قانع کننده‌ای برای صاحبان عقل وجود دارد؟).

و نیز اصحاب حجر، که در قرآن نامشان آمده (آیه ۸۰ سوره حجر) به قوم صالح گفته شده است که خانه‌های سنگی محکمی در دل کوه‌ها برای خود می‌تراشیدند و در حفاظت آن قرار می‌گرفتند. این در مورد معنی واژه حجر.

اما جمله حجرا محجورا اصطلاحی بوده است در میان عرب که وقتی به کسی برخورد می‌کردند که از او می‌ترسیدند برای گرفتن امان این جمله را در برابر او می‌گفتند.

مخصوصاً رسم عرب این بود که در ماههای حرام که جنگ ممنوع بوده هنگامی که کسی با دیگری روبرو می‌شد و احتمال می‌داد این سنت شکسته شود و به او صدمه‌ای برسد، این جمله را تکرار می‌کرد، طرف مقابل نیز با شنیدن آن، او را امان می‌داد و از نگرانی و اضطراب و وحشت بیرون می‌آورد، بنابراین معنی جمله مزبور این است: امان می‌خواهم امانی که برگشت و تغییری در آن نباشد.

ضمناً از آنچه در بالا گفتیم روشن شد که در اینجا گوینده این سخن مجرمانند و تناسب افعال موجود در آیه و سیر تاریخی و سابقه این جمله در میان عرب نیز

همین اقتضا می‌کند، هر چند بعضی احتمال داده‌اند که گوینده این سخن فرشتگان خواهند بود و هدفشان ممنوع ساختن مشرکان از رحمت خدا است. و بعضی نیز گفته‌اند که گوینده این سخن مجرمانند که به یکدیگر این رامی‌گویند، ولی ظاهر همان معنی اول است که بسیاری از مفسران آن

را اختیار کرده و یا به عنوان اولین تفسیر از آن یاد نموده‌اند. اما در اینکه آن روز که مجرمان، فرشتگان را ملاقات می‌کنند کدام روز است؟ مفسران دو احتمال داده‌اند بعضی گفته‌اند روز مرگ است که انسان فرشته مرگ را می‌بیند چنانکه در آیه ۹۷ سوره نساء می‌خوانیم: ولو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت و الملائكة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم: اگر ظالمان را ببینی هنگامی که در امواج مرگ قرار گرفته‌اند و فرشتگان دستها را گشوده‌اند و می‌گویند جان خود را بیرون کنید .... بعضی دیگر این تفسیر را انتخاب کرده‌اند که منظور روز قیامت و رستاخیز است که مجرمان در برابر فرشتگان عذاب قرار می‌گیرند و آنها را مشاهده می‌کنند.

تفسیر دوم با توجه به آیات بعد که سخن از رستاخیز می‌گوید و مخصوصاً جمله یومئذ اشاره به آن می‌گیرد، نزدیکتر به نظر می‌رسد. آیه بعد وضع اعمال این مجرمان را در آخرت مجسم ساخته، می‌گوید: ما به سراغ تمام اعمالی که آنها انجام دادند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می‌کنیم! (و قدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا).

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۹

واژه عمل به طوری که راغب در مفردات گفته به معنی هر کاری است که با قصد انجام می‌گیرد، ولی فعل، اعم از آن است، یعنی به کارهائی که با قصد یا بی قصد انجام می‌گیرد هر دو اطلاق می‌شود. جمله قدمنا از ماده قدوم به معنی وارد شدن یا به سراغ چیزی رفتن است، و در اینجا دلیل بر تاکید و جدی بودن مطلب است، یعنی مسلماً و بطور قطع تمام اعمال آنها را که با توجه و از روی اراده انجام داده‌اند - هر چند ظاهراً کارهای خیر باشد - به خاطر شرک و کفرشان همچون ذرات غبار در هوا محو و نابود می‌کنیم.

#### آفات اعمال صالح

واژه هباء به معنی ذرات بسیار ریز غبار است که در حال عادی، ابداً به چشم نمی‌آید، مگر زمانی که نور آفتاب از روزنه یا دریچه‌ای به داخل اطاق تاریکی بیفتد و این ذرات را روشن و قابل مشاهده سازد. این تعبیر نشان می‌دهد که اعمال آنها بقدری بی‌ارزش و بی‌اثر خواهد شد که اصلاً گوئی عملی وجود ندارد، هر چند سالیان دراز تلاش و کوشش کرده

باشند.

این آیه نظیر آیه ۱۸ سوره ابراهیم است که می‌فرماید: مثل الذین کفروا برهم اعمالهم کرماد اشتدت به الريح فی يوم عاصف: اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز

---

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۰

طوفانی!

دلیل منطقی آن هم روشن است، زیرا چیزی که به عمل انسان شکل و محتوا می‌دهد، نیت و انگیزه و هدف نهائی عمل است، افراد با ایمان، با انگیزه الهی و توحیدی، هدفهای مقدس و پاک، و برنامه صحیح و سالم به سراغ انجام کارها می‌روند در حالی که مردم بی‌ایمان غالباً گرفتار تظاهر ریاکاری و تقلب و غرور و خود بینی هستند، و همین سبب بی‌ارزش شدن اعمال آنها می‌شود. به عنوان نمونه ما مسجدهائی را از صدها سال پیش سراغ داریم که گذشت قرن‌ها کمترین تاثیر بر آنها نگذاشته است، و به عکس خانه‌هائی را می‌بینیم که با گذشت یکماه یا یکسال شکستها و نقصهای فراوان در آن ظاهر می‌شود، اولی چون انگیزه الهی داشت از هر نظر محکم و بامعنی‌ترین مصالح با پیش بینی تمام حوادث آینده ساخته شده، اما دومی چون هدف تهیه مال و ثروتی از طریق تظاهر و فریب بوده است تنها به رنگ و آبش توجه شده است. اصولاً از نظر منطق اسلام، اعمال صالح آفاتی دارد که باید دقیقاً مراقب آن بود: گاه از آغاز ویران و فاسد است، همچون عملی که برای ریا انجام می‌گیرد. گاه انسان در حین عمل گرفتار غرور و عجب و خودبینی می‌شود و ارزش عملش به خاطر آن از بین می‌رود. و گاه بعد از عمل به خاطر انجام کارهای مخالف و منافی، اثرش محو و نابود می‌گردد، مانند انفاقی که پشت سر آن منت باشد، و یا اعمال صالحی که پشت سر آن کفر و ارتداد صورت گیرد. و حتی طبق بعضی از روایات اسلامی گاه انجام گناهانی قبل از انجام عمل

---

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۱

روی آن اثر می‌گذارد، چنانکه در مورد شرابخوار می‌خوانیم که تا چهل روز اعمال او مقبول درگاه خدا نخواهد شد. به هر حال اسلام برنامه‌ای فوق‌العاده دقیق و باریک و حساب شده درباره

خصوصیات عمل صالح دارد.

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: روز قیامت خداوند گروهی را مبعوث می کند در حالی که نوری در مقابل آنان همچون لباسهای سفید و درخشانده است (این نور همان اعمال آنها است) سپس به آن اعمال فرمان می دهد: همگی ذرات پراکنده غبار شوید (و به دنبال آن همه محو می گردند) سپس فرمود: انهم كانوا يصومون ويصلون و لكن كانوا اذا عرض لهم شيء من الحرام اخذوه و اذا ذكر لهم شيء من فضل امير المؤمنين انكروه! آنها نماز و روزه را بجا می آوردند ولی هنگامی که حرامی به آنها عرضه می شد آن را می چسبیدند و موقعی که از فضائل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برای آنها بیان می گشت انکار می کردند!.

و از آنجا که قرآن معمولاً نیک و بد را در برابر هم قرار می دهد تا بامقایسه، وضع هر دو روشن شود، آیه بعد، از بهشتیان سخن می گوید و می فرماید: بهشتیان در آن روز قرارگاهشان بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است (اصحاب الجنة يومئذ خير مستقرا و احسن مقبلا).

معنی این سخن آن نیست که دوزخیان وضعشان خوبست و بهشتیان وضعشان از آنها بهتر، زیرا صیغه افعال تفضیل گاه در مواردی به کار می رود که یک طرف به کلی فاقد آن مفهوم است و طرف دیگر واجد، مثلاً در سوره فصلت آیه ۴۰

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۲

می خوانیم: اءفمن يلقى في النار خير ام من ياتي آمنا يوم القيامة: آیا کسی که در آتش افکنده می شود بهتر است یا کسی که روز قیامت در نهایت امنیت وارد محشر می شود؟! مستقر به معنی قرارگاه و مقیل به معنی محل استراحت در نیمه روز است (از ماده قیلوله به معنی خواب نیم روز آمده است).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۳

آیه ۲۵ - ۲۶

آیه و ترجمه

و يوم تشقق السماء بالغمم و نزل الملكة تنزيلاً (۲۵)  
الملك يومئذ الحق للرحمن و كان يوما على الكافرين عسيراً (۲۶)

ترجمه :

۲۵ - و به خاطر آور روزی را که آسمان با ابرها از هم شکافته می شود،  
و فرشتگان نازل می گردند.

۲۶ - حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است و آنروز روز سختی برای  
کافران خواهد بود.

تفسیر :

آسمان با ابرها شکافته می شود!

باز در این آیات بحث درباره قیامت و سرنوشت مجرمان در آن روز ادامه می یابد  
نخست می گوید: روز گرفتاری و اندوه مجرمان، روزی است که آسمان با  
ابرها از هم می شکافد و فرشتگان پی در پی نازل می شوند! (و يوم تشقق السماء  
بالغمام و نزل الملائكة تنزيلا).

غمام از غم به معنی پوشاندن چیزی است و از آنجا که ابر آفتاب

---

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۴

را می پوشاند به آن غمام گفته می شود همچنین به اندوه که قلب رامی پوشاند  
غم می گویند.

این آیه در حقیقت پاسخی است به درخواست مشرکان، و یکی دیگر  
از بهانه جوئیهای آنها زیرا آنها انتظار داشتند خداوند و فرشتگان، طبق اساطیر و  
افسانه های آنان، در میان ابرها به سراغشان بیایند و آنها را به سوی حق دعوت  
کنند، در اسطوره های یهود نیز آمده که گاه خداوند در لابلای ابرها ظاهر  
می شد!

قرآن در پاسخ آنها می گوید: آری فرشتگان (و نه خدا) روزی به سراغ آنها  
می آیند، اما کدام روز؟ روزی که مجازات و کیفر این بدکاران فرامی رسد و  
بیهوده گوئی های آنها را پایان می دهد.

اکنون ببینیم منظور از شکافته شدن آسمان با ابرها چیست؟ با اینکه می دانیم  
اطراف ما چیزی به نام آسمان که قابل شکافته شدن باشد وجود ندارد.

بعضی از مفسران مانند علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در تفسیر المیزان  
فرموده اند: منظور شکافته شدن آسمان عالم شهود و کنار رفتن حجاب جهل و  
نادانی و نمایان گشتن عالم غیب است، یعنی انسان در آن روز درک و دیدی  
پیدا می کند که با امروز بسیار متفاوت است، پرده ها کنار می رود، و فرشتگان را  
که در حال نزول از عالم بالا هستند می بیند.

تفسیر دیگر این است که منظور از سماء، کرات آسمانی است که بر اثر انفجارات پی در پی از هم متلاشی می‌شود، و ابری که حاصل از این انفجارات و متلاشی شدن کوهها است صفحه آسمانها را فرا می‌گیرد، بنابراین کرات آسمانی شکافته می‌شود، در حالی که همراه با ابرهای حاصل از آن است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۵

آیات بسیاری از قرآن مجید، مخصوصاً آنها که در سوره‌های کوتاه آخر قرآن آمده، بیانگر این حقیقت است که در آستانه قیامت، دگرگونیهای عظیم و انقلاب و تحول عجیب، سر تا سر عالم هستی را فرا می‌گیرد کوهها متلاشی شده و همچون غبار در فضا پخش می‌گردد خورشیدی نور، و ستارگان بی فروغ می‌شود، حتی فاصله ماه و خورشید از بین می‌رود، و لرزه و زلزله عجیبی سراسر زمین را فرا می‌گیرد.

آری در چنان روز، متلاشی شدن آسمان، یعنی کرات آسمانی و پوشیده شدن صفحه آسمان از یک ابر غلیظ امری طبیعی خواهد بود.

همین تفسیر را به نحو دیگری می‌توان بیان کرد:

شدت دگرگونیها و انفجارات کواکب و سیارات سبب می‌شود که آسمان از ابری غلیظ پوشیده شود، اما در لابلای این ابر گاه شکافهایی وجود دارد، بنابراین آسمانی که در حال عادی با چشم دیده می‌شود به وسیله این ابرهای عظیم انفجاری از هم جدا می‌شود.

تفسیرهای دیگری نیز برای این آیه گفته شده است که با اصول علمی و منطقی سازگار نیست و در عین حال تفسیرهای سه‌گانه فوق منافاتی باهم ندارد، ممکن است از یکسو پرده‌های جهان ماده از مقابل چشم انسان کنار برود و عالم ماوراء طبیعت را مشاهده کند، و از سوی دیگر کرات آسمانی متلاشی شوند و ابرهای انفجاری آشکار گردند، و در لابلای آنها شکافهایی نمایان باشد، آن روز، روز پایان این جهان و آغاز رستاخیز است، روز بسیار دردناکی است برای مجرمان بی‌ایمان و ستمکاران لجوج.

سپس به یکی از روشنترین مشخصات آن روز پرداخته، و می‌گوید:

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۶

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است (الملک یومئذ الحق للرحمان). حتی آنها که در این جهان نوعی حکومت مجازی و محدود و فانی وزودگذر

داشتند نیز از صحنه حکومت کنار می‌روند، و حاکمیت از هر نظر و در تمام جهات مخصوص ذات پاک او می‌شود، و به همین دلیل آن روز روز سختی برای کافران خواهد بود (و کان یوما علی الکافرین عسیرا).

آری در آن روز که قدرتهای خیالی به کلی از میان می‌روند و حاکمیت مخصوص خدا می‌شود پناهگاههای کافران فرو می‌ریزد، و قدرتهای جبار و طاغوتی محو می‌شوند، هر چند در این جهان نیز همه در برابر اراده او بی‌رنگ بودند ولی در اینجا ظاهرا زرق و برقی داشتند اما در قیامت که صحنه بروز واقعیتها، و برچیده شدن مجازها و خیالها و پندارها است، افراد بی‌ایمان در برابر مجازاتهای الهی چه تکیه گاهی می‌توانند داشته باشند و به همین دلیل آن روز فوق العاده بر آنها سخت خواهد گذشت.

در حالی که برای مؤمنان بسیار یسیر و سهل و آسان است. در حدیثی از ابو سعید خدری نقل شده که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه فی یوم کان مقداره خمسين الف سنة را که نشان می‌دهد روز قیامت معادل پنجاه هزار سال است تلاوت فرمود عرض کردم چه روز طولانی و عجیبی است؟! عجبی است!؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: و الذی نفسی بیده انه لیخفف عن المؤمن حتی یكون اخف علیه من صلاة مكتوبة یصلیها فی الدنیا: سوگند به آن کسی که جانم به دست او است که آن روز برای مؤمن سبک می‌شود به مقدار مدت یک نماز فریضه که در دنیا انجام می‌دهد!.

دقت در سایر آیات قرآن، دلائل سخت بودن آن روز را بر کافران روشن

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۶۷

می‌سازد، چرا که از یکسو می‌خوانیم: در آن روز تمام پیوندها و وسائل عالم اسباب، گسسته می‌شود (و تقطعت بهم الاسباب) (بقره - ۱۶۶) از سوئی دیگر، نه مال آنها و نه آنچه را اکتساب کردند آنانرا سودی نمی‌دهد (ما اغنی عنه ماله و ما کسب) (سوره تبت آیه ۲).

و از سوی سوم هیچکس در آنجا به داد هیچکس نمی‌رسد (یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا) (دخان - ۴۱).

حتی شفاعت که تنها راه نجات است در اختیار گنهکارانی است که پیوندی با خدا و دوستان خدا داشته‌اند (من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه) (بقره - ۲۵۵). و نیز در آن روز به آنها اجازه عذر خواهی داده نمی‌شود تا چه رسد به قبول

عذرهای غیر موجه (فلا يؤذن لهم فيعتذرون) (مرسلات - ۳۶).

بعدها

فرست

قبل